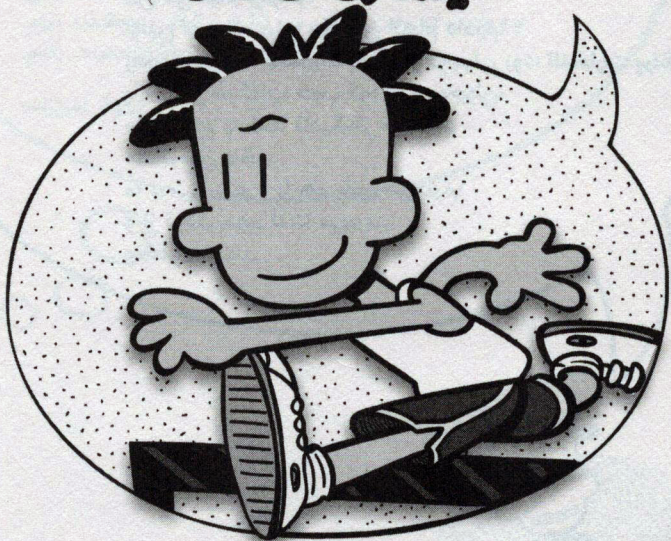


بگیت بیت

در دستانتان عیار
یکستازی می‌کنند



پرفروش‌ترین اثر نویسنده‌ی نیویورک تایمز
لینکلن پیرس ← نیلوفر امن‌زاده

فصل

۱

یک تکه کیک، زندگی من را نابود کرد.

البته اگر بخواهید دقیق‌تر بدانید، کیکِ تَدی این بلا را سرِ من آورد. کل این فاجعه تقصیر خودش است.



با شنیدن این جمله‌های دلگرم‌کننده، انگیزه از تووی گوش‌هایم زد بیرون و تمام کتاب درسی را یک دور جویدم. حالا حدس بزنید کتاب ما درباره‌ی جنگ ۱۸۱۲ چه گفته بود؟ دقیقاً هیچ چیز. فکر کنم در سال ۱۸۱۱ نوشته شده باشد. از این حرف‌ها که بگذریم، آن روز تدی سعی کرد نجاتم بدهد...



... یا من این جووری خیال می‌کردم!

آن چه گذشت!



تدی یکی از دوتا دوست صمیمی من است (آن یکی هم فرانسویس است) اما الآن حسابی از دستش کفری هستم. به خاطر او جلوی نصف بچه‌های مدرسه ایستاده‌ام و باید گوشم را تقدیم آقای نیکلاس، ناظممان بکنم.



ماجرای دیروز سر کلاس اجتماعی شروع شد؛ یعنی وقتی که خانم گادفری یا همان "اسمش را نیار"، ازمان خواست تا تحقیق بنویسیم، آن هم راجع به چه؟ جنگ سال ۱۸۱۲! یعنی مزخرف‌ترین موضوع ممکن.

